



Abstract

The present study examines how social ethics is interpreted in the thought of Mohammad-Taqi Mesbah Yazdi and Mostafa Malekian. It seeks to answer the question of how these two thinkers understand and explain social ethics. The study adopts a qualitative approach using thematic analysis. The data were collected from their published works and selected statements, and analyzed through three stages of coding, organizing, and interpretation. The findings show that in Mesbah Yazdi's thought, "the religious foundation of moral order" and "social responsibility, justice, and commitment" constitute the overarching theme of duty-oriented social ethics, while "preservation of religious authority," "guided rationality," and "stability of religious values" form the overarching theme of preserving the religious moral order. In Malekian's thought, "the priority of ethics over religiosity," "critical rationality," and "moral freedom and responsibility" are organized under the overarching theme of the foundations of social ethics, whereas "spirituality and the reduction of social suffering," "ethical institution-building," and "rational and spiritual reconstruction of ethics in society" fall under the overarching theme of realizing social ethics.

Keywords: Ethics; Social Ethics; Mesbah Yazdi; Malekian; Qualitative Study

Social Ethics in the Thought of Mohammad-Taqi Mesbah Yazdi and Mostafa Malekian: A Qualitative Study

Nayre Zarei

PhD Student in Islamic Philosophy and Theology, University of Religions and Denominations, Qom, Iran
nre.zareii@gmail.com

Majid Jafarian

Assistant Professor, Department of Social Ethics, Theology and Family Research Institute, Qom Institute of Islamic Sciences and Culture, Iran
m.jafarian@isca.ac.ir



چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی چگونگی تفسیر اخلاق اجتماعی در اندیشه محمدتقی مصباح یزدی و مصطفی ملکیان است. از این رو، در این پژوهش کوشیده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که اخلاق اجتماعی در اندیشه این دو متفکر چگونه فهم و تفسیر می‌شود. پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌های پژوهش از آثار مکتوب و گفتارها جمع‌آوری گردیده و در سه مرحله کدگذاری، سازمان‌دهی و تفسیر شدند. یافته‌ها نشان داد در اندیشه مصباح یزدی، «مبنای دینی نظم اخلاقی» و «مسئولیت، عدالت و التزام اجتماعی» ذیل مضمون فراگیر اخلاق اجتماعی تکلیف‌محور و «حفظ مرجعیت دینی»، «عقلانیت هدایت‌شده» و «ثبات ارزش‌های دینی» ذیل مضمون فراگیر صیانت از نظم اخلاقی دینی قرار می‌گیرند. همچنین، در اندیشه ملکیان، «تقدم اخلاق بر دینداری»، «عقلانیت انتقادی» و «آزادی و مسئولیت اخلاقی» ذیل مضمون فراگیر بنیادهای اخلاق اجتماعی و «معنویت و کاهش رنج اجتماعی»، «نهادسازی اخلاقی» و «بازسازی عقلانی و معنوی اخلاق در جامعه» ذیل مضمون فراگیر تحقق اخلاق اجتماعی سامان یافته‌اند. به این معنا که در نگاه مصباح یزدی، اخلاق اجتماعی بر مرجعیت دین، تکلیف الهی و ثبات ارزش‌های دینی استوار است، درحالی‌که در اندیشه ملکیان، تقدم اخلاق، عقلانیت انتقادی، آزادی اخلاقی و معنویت، مهم‌ترین مبانی در تفسیر اخلاق اجتماعی هستند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، اجتماعی، مصباح یزدی، ملکیان، مطالعه کیفی.

اخلاق اجتماعی در اندیشه محمدتقی مصباح یزدی و مصطفی ملکیان:

یک مطالعه کیفی

نیره زارعی

nre.zareii@gmail.com

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

مجید جعفریان

استادیار گروه اخلاق اجتماعی، پژوهشکده الهیات و خانواده، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران

m.jafarian@isca.ac.ir

اخلاق اجتماعی یکی از مفاهیمی است که در پیوند با چگونگی سامان زندگی جمعی، کیفیت روابط انسانی و امکان شکل‌گیری نظم اجتماعی پایدار به آن توجه شده است. در رویکردهای جامعه‌شناختی معاصر، اخلاق صرفاً به حوزه انتخاب‌های فردی و فضایل شخصی محدود نمی‌شود، بلکه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و معانی مشترک اشاره می‌کند که در بستر روابط اجتماعی شکل گرفته و کنش افراد را جهت می‌دهند (Hitlin & Vaisey, 2010, p. 85). اخلاق اجتماعی در جهان معاصر از آن جهت برجسته شده است که جوامع جدید با تکرار ارزش‌ها، دگرگونی نهادهای سنتی و تغییر الگوهای روابط اجتماعی مواجه‌اند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی فقط «وجود قواعد اخلاقی نیست، بلکه چگونگی شکل‌گیری و استمرار زمینه‌های اجتماعی است که افراد از طریق آن‌ها درباره رفتار درست و نادرست داوری می‌کنند» (Abend, 2010, p. 480).



در واقع، هر جامعه‌ای بر نوعی برداشت از اخلاق اجتماعی استوار است؛ برداشتی که در تعیین نسبت فرد و جامعه، تعریف مسئولیت‌های اجتماعی، تبیین خیر عمومی و چگونگی داوری درباره کنش‌های انسانی نقش دارد. از این رو، تفاوت میان دیدگاه‌های اخلاقی فقط به اختلاف در برخی ارزش‌ها یا توصیه‌های رفتاری محدود نمی‌شود، بلکه به تفاوت در مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزشی بازمی‌گردد. اینکه ارزش‌های اخلاقی از چه منبعی اعتبار می‌یابند، چرا افراد باید به آن‌ها پایبند باشند و چگونه می‌توان آن‌ها را در عرصه اجتماعی تحقق بخشید، ازجمله پرسش‌های بنیادینی است که در تبیین اخلاق اجتماعی مطرح می‌شود.

در سنت فکری معاصر ایران نیز اخلاق اجتماعی یکی از موضوعات مهم در آثار اندیشمندان دینی و اخلاقی بوده است. توجه به اخلاق در این سنت، صرفاً به حوزه تهذیب فردی محدود نمانده، بلکه در بسیاری از آثار، با مسئله نظم اجتماعی، مسئولیت انسان در برابر دیگران و چگونگی تحقق جامعه مطلوب پیوند خورده است. باین حال، پاسخ متفکران به این پرسش که اخلاق اجتماعی بر چه مبنایی استوار است و چگونه در جامعه تحقق می‌یابد، یکسان نیست. در این میان، مطالعه اندیشه متفکران معاصر می‌تواند امکان شناخت دقیق‌تر از شیوه‌های مختلف فهم اخلاق اجتماعی را فراهم آورد؛ زیرا هر یک از این دیدگاه‌ها، بر مبنای تلقی خاصی از انسان، جامعه و منابع اعتبار اخلاقی شکل گرفته‌اند. بررسی این دیدگاه‌ها نه به معنای داوری درباره درستی یا نادرستی آن‌ها، بلکه تلاشی برای فهم منطق درونی و مؤلفه‌های اصلی آن‌ها در تبیین اخلاق اجتماعی است.

بنابراین، پژوهش حاضر با تمرکز بر اندیشه آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و استاد مصطفی ملکیان، در پی آن است که فهم اخلاق اجتماعی در آثار و گفتارهای این دو متفکر را براساس روش تحلیل مضمون بررسی کند. به عبارت دیگر، پرسش اصلی پژوهش این است که آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و استاد مصطفی ملکیان اخلاق اجتماعی را بر اساس چه مؤلفه‌هایی تفسیر می‌کنند؟ انتخاب این دو اندیشمند از آن جهت اهمیت دارد که هر یک از منطری متفاوت به مسئله اخلاق، انسان و جامعه می‌نگرند و مطالعه نوشتار و گفتارهای آن‌ها می‌تواند تصویری روشن‌تر از تنوع رویکردها به اخلاق اجتماعی ارائه دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، به اخلاق اجتماعی از منظرهای گوناگون و در حوزه‌های متعددی در پژوهش‌های داخلی و خارجی توجه شده است. با این حال، بخش قابل توجهی از این مطالعات، اخلاق اجتماعی را در نسبت با موضوعات خاص یا مسائل کاربردی بررسی کرده‌اند. از آنجاکه پژوهش حاضر بر چگونگی تفسیر و معنایابی اخلاق اجتماعی در اندیشه دو متفکر معاصر تمرکز دارد، در مرور پیشینه، به مطالعاتی توجه شده است که از حیث مفهومی و نظری می‌توانند به تبیین ابعاد این مسئله کمک کنند. در مطالعات داخلی، به‌خیر نصراآبادی، حیدری و بهروان (۱۳۹۰) در مقاله «نسبت عقلانیت انتقادی با اخلاق اجتماعی» با تکیه بر اندیشه کارل پوپر، رابطه میان عقلانیت انتقادی و اخلاق اجتماعی را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصولی همچون نقدپذیری، گفت‌وگوی عقلانی، احترام به دیدگاه دیگران، خودمختاری اخلاقی و تواضع علمی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در چارچوب عقلانیت انتقادی به شمار می‌روند. سلطانی رنانی (۱۳۹۲) در مقاله «مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری» به تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در اندیشه این دو متفکر پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون مسئولیت اجتماعی، عدالت، تعاون، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، پیوند ایمان و اخلاق و تنظیم روابط اجتماعی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی و شهید مطهری به شمار می‌روند. شاکر نژاد (۱۳۹۶) در مقاله «مبانی اخلاق اجتماعی در معنویت‌گرایی جدید و چالش‌های آن» به بررسی مبانی ارزش‌شناختی و الگوی ارتباطات اجتماعی در معنویت‌گرایی جدید پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که



مؤلفه‌هایی مانند همدلی، خیرخواهی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی از عناصر اصلی اخلاق اجتماعی در این رویکرد به شمار می‌روند؛ با این حال، نویسنده چالش‌هایی همچون نسبی‌گرایی و خودگرایی اخلاقی را از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی این تلقی از اخلاق اجتماعی می‌داند. حاجی رحیمی و محیطی اردکان (۱۴۰۱) در مقاله «تأثیر اعتقاد به توحید در خالقیت بر اخلاق اجتماعی از منظر آیت‌الله مصباح یزدی» به بررسی نقش یکی از مبانی اعتقادی در شکل‌گیری اخلاق اجتماعی از دیدگاه آیت‌الله مصباح پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعتقاد به توحید در خالقیت با تأثیرگذاری بر بینش، گرایش و رفتار انسان، زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارهای اخلاقی در عرصه روابط اجتماعی و جهت‌دهی آن‌ها به‌سوی قرب الهی است.

در مطالعات خارجی، اولمان (۲۰۱۵) در مدخل «اخلاق اجتماعی» (دانشنامه جهانی اخلاق زیستی) با رویکردی مفهومی به تبیین معنای اخلاق اجتماعی پرداخته است. وی اخلاق اجتماعی را حوزه‌ای می‌داند که در آن ارزش‌ها و اصول اخلاقی در نسبت با زندگی جمعی، خیر عمومی، عدالت اجتماعی و مسئولیت اجتماعی معنا می‌یابند و می‌کوشد نسبت میان خودمختاری فردی و خیر مشترک را در چارچوب اخلاق اجتماعی تبیین کند. لاکا (۲۰۲۱) در پژوهشی جدیدتر و در یک فصل از کتاب «مفاهیم و نظریه‌های اخلاق اجتماعی در مددکاری اجتماعی» به تبیین مبانی نظری اخلاق اجتماعی و نسبت آن با عمل اجتماعی پرداخته است. وی با تمایز میان اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی، استدلال می‌کند که رفتار اخلاقی همواره در بستر روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و مسئولیت اجتماعی، خیر مشترک و تصمیم‌گیری اخلاقی از مهم‌ترین عناصر اخلاق اجتماعی به شمار می‌آیند.

با وجود این، بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده، اگرچه هر یک بخشی از ابعاد اخلاق اجتماعی را تبیین کرده‌اند، اما عمده‌تاً در یکی از سه مسیر حرکت کرده‌اند: نخست، تبیین مفهومی و هنجاری اخلاق اجتماعی و مؤلفه‌های آن؛ دوم، بررسی مبانی اخلاقی در اندیشه یک متفکر یا یک سنت فکری؛ و سوم، تحلیل آثار و پیامدهای اجتماعی برخی مبانی اخلاقی. در نتیجه، اخلاق اجتماعی بیشتر به‌عنوان مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌های هنجاری یا پیامدهای اخلاقی یک دستگاه فکری مورد مطالعه قرار گرفته و کمتر به این پرسش پرداخته شده است که یک متفکر، اخلاق اجتماعی را بر پایه چه مؤلفه‌هایی تفسیر می‌کند. علاوه بر این، در پیشینه موجود، مطالعه‌ای که اندیشه آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و استاد مصطفی ملکیان را با

تمرکز بر مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی و با بهره‌گیری از یک چارچوب تحلیلی واحد واکاوی کرده باشد، یافت نشد.

۳. مبانی نظری

اخلاق اجتماعی در رویکردهای معاصر دیگر صرفاً مجموعه‌ای از قواعد فردی یا اصول انتزاعی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه بخشی از مناسبات اجتماعی، شبکه‌ای از مسئولیت‌های متقابل و شیوه‌های برساخت خیر مشترک مورد توجه قرار می‌گیرد. در این رویکردها، اخلاق نه امری منفک از زندگی اجتماعی، بلکه پدیده‌ای است که در متن روابط انسانی، نهادهای اجتماعی و تجربه‌های زیسته شکل می‌گیرد و استمرار می‌یابد. از این منظر، مطالعه اخلاق اجتماعی تنها به شناسایی ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی محدود نیست، بلکه مستلزم فهم چگونگی شکل‌گیری منابع اعتبار اخلاقی و سازوکارهای تحقق و بازتولید آن‌ها در جامعه است.

در میان رویکردهای معاصر، سه محور نظری بیش از دیگر دیدگاه‌ها در تبیین اخلاق اجتماعی اهمیت یافته‌اند. نخست، رویکردی که اخلاق را در بستر روابط و مسئولیت‌های اجتماعی تحلیل می‌کند؛ دوم، دیدگاهی که منشأ و پایداری ارزش‌های اخلاقی را در تجربه‌های تاریخی و اجتماعی جست‌وجو می‌کند؛ و سوم، نظریه‌هایی که مسئله اخلاق را در شرایط مدرنیته و تکثر ارزش‌ها بازخوانی می‌کنند. به‌ترتیب، مارگارت اوربان واکر، هانس یواس و زیگمونت باومن از مهم‌ترین نمایندگان این سه رویکرد هستند و در کنار یکدیگر تصویری نسبتاً جامع از مبانی اخلاق اجتماعی در اندیشه معاصر ارائه می‌کنند.

در این میان، نظریه «اخلاق به‌مثابه عمل اجتماعی» مارگارت اوربان واکر یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها برای عبور از تلقی فردگرایانه از اخلاق به شمار می‌رود. واکر معتقد است بخش قابل‌توجهی از نظریه‌های کلاسیک اخلاق، کنشگر را موجودی مستقل و جدا از روابط اجتماعی فرض کرده‌اند و از همین رو، اخلاق را مجموعه‌ای از اصول جهان‌شمول برای تصمیم‌گیری فردی دانسته‌اند. در مقابل، او نشان می‌دهد که تجربه واقعی زندگی اجتماعی بیانگر آن است که داوری‌های اخلاقی همواره در بستر روابط انسانی، نقش‌های اجتماعی، مسئولیت‌های متقابل و انتظارات مشترک شکل می‌گیرند. از این منظر، اخلاق نه صرفاً مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدهای انتزاعی، بلکه شیوه‌ای برای سازمان‌دهی روابط انسانی و حفظ امکان همکاری اجتماعی است (Walker, 2007, p. 9).

بر این اساس، واکر اخلاق را نوعی «عمل اجتماعی» می‌داند که در آن افراد به‌طور مستمر دربارهٔ مسئولیت‌های خود نسبت به دیگران گفت‌وگو، مذاکره و داوری می‌کنند و از خلال همین تعاملات، هنجارهای اخلاقی را بازتولید یا اصلاح می‌نمایند. در نتیجه، اعتبار هنجارهای اخلاقی صرفاً به انسجام منطقی آن‌ها وابسته نیست، بلکه به توانایی آن‌ها در ایجاد اعتماد، تنظیم انتظارات متقابل و سامان‌بخشی روابط اجتماعی نیز بستگی دارد (Walker, 2007, p. 15). در این نگاه، آنچه یک جامعه را اخلاقی می‌سازد صرفاً وجود مجموعه‌ای از ارزش‌ها نیست، بلکه وجود سازوکارهایی است که این ارزش‌ها را برای اعضای جامعه معتبر، معنادار و الزام‌آور می‌سازند. از این‌رو، اخلاق اجتماعی بیش از آنکه ناظر بر محتوای هنجارهای اخلاقی باشد، معطوف به کیفیت روابط انسانی، اعتماد اجتماعی، احساس مسئولیت متقابل و شیوه سازمان‌یافتگی نهادهای اجتماعی است. چنین برداشتی، مطالعهٔ اخلاق اجتماعی را از سطح توصیه‌های فردی فراتر برده و آن را به بررسی نحوهٔ شکل‌گیری و استمرار نظم اخلاقی در جامعه پیوند می‌دهد (Walker, 2007, p. 22).

این رویکرد با تحلیل هانس یواس دربارهٔ منشأ ارزش‌های اخلاقی نیز هم‌راستا است. یواس با نقد دوگانهٔ عقل‌گرایی و نسبی‌گرایی، استدلال می‌کند که ارزش‌های اخلاقی نه صرفاً از استدلال عقلانی استخراج می‌شوند و نه محصول توافقی‌های موقتی یا اجبارهای نهادی هستند، بلکه در متن تجربه‌های اجتماعی، تعاملات انسانی و فرایندهای تاریخی پدید می‌آیند (Joas, 2000). به باور او، ارزش‌ها زمانی برای افراد الزام‌آور می‌شوند که در تجربهٔ زیستهٔ آنان معنا پیدا کرده و بخشی از هویت اخلاقی‌شان شوند. از این منظر، جامعهٔ اخلاقی نه صرفاً بر پایهٔ قوانین و مقررات، بلکه بر اساس درونی‌شدن ارزش‌ها و پذیرش آن‌ها در روابط اجتماعی استمرار می‌یابد. تأکید یواس بر «پیدایش ارزش‌ها» نشان می‌دهد که نظم اخلاقی را نمی‌توان صرفاً با ارجاع به قواعد رسمی یا ساختارهای حقوقی توضیح داد. هرچند قانون در تنظیم رفتارهای اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند، اما پایداری اخلاق اجتماعی در گرو آن است که ارزش‌های اخلاقی در زندگی روزمرهٔ افراد معنا یافته و به بخشی از فهم مشترک آنان از خیر عمومی تبدیل شود. از این‌رو، اخلاق اجتماعی همواره فرایندی پویا، تاریخی و وابسته به تعامل میان کنشگران، نهادها و سنت‌های فرهنگی است.

در امتداد این مباحث، زیگمونت باومن مسئلهٔ اخلاق اجتماعی را در بستر تحولات جهان معاصر بازخوانی می‌کند. به اعتقاد او، مدرنیتهٔ متأخر با تضعیف بسیاری از منابع سنتی اقتدار اخلاقی همراه

بوده است؛ باین حال، این وضعیت به معنای پایان اخلاق نیست، بلکه مسئولیت اخلاقی انسان را پیچیده‌تر از گذشته کرده است (Bauman, 1993). در چنین شرایطی، افراد ناگزیرند بدون اتکای کامل به اقتدارهای سنتی، دربارهٔ پیامدهای اخلاقی کنش‌های خود تصمیم بگیرند و مسئولیت انتخاب‌های خویش را بپذیرند. از نظر باومن، مسئلهٔ اصلی جوامع معاصر فقدان اخلاق نیست، بلکه دشواری حفظ اعتماد، مسئولیت متقابل و همبستگی اجتماعی در شرایط تکرار ارزش‌ها است. از این رو، براساس نگاه باومن، اخلاق اجتماعی در جهان معاصر بیش از آنکه بر وجود قواعد ثابت استوار باشد، به توانایی افراد و نهادها در ایجاد اعتماد، گفت‌وگوی اخلاقی، پذیرش مسئولیت و بازتولید مستمر ارزش‌های مشترک وابسته است.

با وجود این، اگرچه واکر، یواس و باومن هر یک بر جنبه‌ای متفاوت از این فرایند تأکید کرده‌اند، اما همگی در این نکته مشترک‌اند که اخلاق اجتماعی بدون توجه به سازوکارهای اجتماعی تولید، درونی‌سازی و بازتولید ارزش‌ها قابل فهم نیست. از این رو، مطالعهٔ اخلاق اجتماعی مستلزم بررسی هم‌زمان منابع اعتبار اخلاقی، فرایندهای شکل‌گیری ارزش‌ها و شیوه‌های تحقق آن‌ها در زندگی اجتماعی است؛ چارچوبی که می‌تواند زمینهٔ مناسبی برای تحلیل و مقایسهٔ خوانش‌های متفاوت از اخلاق اجتماعی در اندیشهٔ متفکران معاصر فراهم آورد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. انتخاب این روش با توجه به ماهیت تفسیری مسئلهٔ پژوهش و هدف آن، یعنی فهم مؤلفه‌ها و الگوهای معنایی اخلاق اجتماعی در اندیشهٔ آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و استاد مصطفی ملکیان، صورت گرفته است. در این پژوهش، آثار مکتوب، گفتارها، سخنرانی‌ها و متون منتشرشده مرتبط با مباحث اخلاق، انسان، جامعه و مسئولیت اجتماعی در اندیشهٔ دو متفکر مورد مطالعه، به‌عنوان داده‌های پژوهش بررسی شده‌اند. انتخاب این منابع بر اساس میزان ارتباط آن‌ها با مسئلهٔ پژوهش و ظرفیت آن‌ها برای تبیین دیدگاه اخلاقی هر یک از دو متفکر انجام شد.

فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد شبکهٔ مضامین انجام گرفت. در این رویکرد، پژوهشگر با مطالعهٔ دقیق داده‌های متنی، ابتدا مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با موضوع پژوهش را

استخراج کرده و در قالب مضامین پایه سازمان‌دهی می‌کند. سپس از طریق بررسی ارتباط مفهومی میان مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده شکل می‌گیرند و در نهایت، مضامین فراگیر به عنوان الگوهای کلان معنایی پدیدار می‌شوند (Attride-Stirling, 2001, pp. 391-395). بر همین اساس، در پژوهش حاضر ابتدا منابع منتخب چندین بار مطالعه شد و گزاره‌هایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با اخلاق اجتماعی، مبانی آن، شیوه تحقق آن و نسبت اخلاق با جامعه ارتباط داشتند، استخراج و کدگذاری شدند. در ادامه، کدهای اولیه پس از مقایسه، ادغام مفاهیم مشابه و بررسی روابط معنایی میان آن‌ها، در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر دسته‌بندی شدند. برای افزایش اعتبار و اعتمادپذیری تحلیل، فرایند کدگذاری و استخراج مضامین در چند مرحله بازبینی شد و مضامین نهایی از نظر انسجام مفهومی، ارتباط با داده‌های متنی و انطباق با پرسش پژوهش ارزیابی شد. همچنین، با بازگشت مکرر به منابع اصلی تلاش شد از تحمیل پیش‌فرض‌های نظری بر داده‌ها جلوگیری شود و مضامین استخراج‌شده تا حد امکان بازتاب‌دهنده معنای موجود در متون اصلی باشند. این اقدامات با معیارهای اعتبار در پژوهش‌های کیفی، از جمله باورپذیری، قابلیت اتکا و تأییدپذیری، هم‌خوان است (Nowell et al., 2017, pp. 1-13).

۵. تحلیل یافته‌ها

۵.۱. تحلیل مضامین مصباح یزدی

۱.۱.۵. اخلاق اجتماعی تکلیف‌محور

براساس جدول شماره ۱، نخستین مضمون فراگیر استخراج‌شده از اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی، «اخلاق اجتماعی تکلیف‌محور» است. در این چارچوب، اخلاق اجتماعی نه مجموعه‌ای از قراردادهای عرفی یا ترجیحات فردی، بلکه نظامی هنجاری است که مشروعیت خود را از آموزه‌های دینی و تکالیف الهی اخذ می‌کند. بررسی پاره‌گفتارهای آیت‌الله مصباح نشان می‌دهد این مضمون فراگیر بر پایه دو مضمون سازمان‌دهنده «مبنای دینی نظم اخلاقی» و «مسئولیت، عدالت و التزام اجتماعی» قرار دارد.

مصباح یزدی

نمونه مکتوب / گفتار	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
«اسلام برای تمام شئون زندگی انسان برنامه دارد؛ روابط اجتماعی و تنظیم زندگی جمعی انسان‌ها.» (مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱، ص ۱۵۲ و ۱۵۳).	شمول دین در همه عرصه‌های زندگی / دین مبنای ارزش‌های اجتماعی / دین مرجع خیر و شر / حفظ نظم اجتماعی / رعایت مصالح عمومی / وحدت جامعه دینی	مبنای دینی نظم اخلاقی	اخلاق اجتماعی تکلیف‌محور
«فرق ارزش اخلاقی و ارزش قانونی به دو امر بر می‌گردد: ۱. ارزش قانونی دارای ضامن اجرای بیرونی است که همان حکومت باشد؛ ۲. فعل اخلاقی در صورتی اخلاقی است که علاوه بر حسن فعلی دارای حسن فاعلی نیز باشد؛ یعنی دارای نیت صالح باشد.» (مصباح یزدی، چکیده‌ای از اندیشه بنیادین اسلامی، ص ۱۰۰).	ملازمه حق و تکلیف؛ عمل به تکلیف / ارزش عمل بر اساس تکلیف / التزام اجتماعی / عدالت حاصل توازن حق و تکلیف	مسئولیت، عدالت و التزام اجتماعی	
«بدعت‌ها باعث سست شدن پایه‌ها و اصول اعتقادی و جایگزینی باورها و انگاره‌های فاسد و غلط به جای باورهای ریشه‌دار دینی می‌گردند.» (مصباح یزدی و عزیزی، تعدد قرائت‌ها، ص ۹۹).	مبارزه با بدعت / دفاع از اعتقادات / تبیین باورهای دینی	حفظ مرجعیت دینی	
«اگر دلیلی عقلی در متون دینی ذکر شده باشد ما آن را به‌عنوان یک دلیل عقلی اخذ می‌کنیم نه به‌عنوان دلیلی تعبدی؛ زیرا قبل از اثبات وحی‌کننده و وحی‌شونده، مجال برای تعبد وجود ندارد.» (مصباح یزدی، چکیده‌ای از اندیشه بنیادین اسلامی، ص ۶۸ و ۶۹).	عقل ابزار فهم دین / عقل در خدمت وحی / اثبات عقلانی اصول دین	عقلانیت هدایت‌شده	صیانت از نظم اخلاقی دینی
«مجموعه عقاید، باورها و ارزش‌ها و احکامی که یا توسط عقل کشف شده‌اند و یا از طریق وحی تبیین گردیده‌اند، در قلمرو دین قرار می‌گیرند و ما به ثبات و جاودانگی آن‌ها اعتقاد داریم.» (مصباح یزدی، نقش تقلید در زندگی انسان، ص ۱۴۵).	ثبات احکام / ثبات ارزش‌ها / رد نسبی‌گرایی اخلاقی / حقیقت واحد	ثبات ارزش‌های دینی	

جدول شماره ۱: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر محمدتقی مصباح یزدی



فصلنامه علمی

۳۷

اخلاق اجتماعی
در اندیشه...

براساس تحلیل داده‌های حاصل از آثار و گفتارهای آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، نخستین مؤلفه در تبیین اخلاق اجتماعی، استقرار نظم اخلاقی بر مبنای دین است. بر همین اساس، مضامینی همچون «شمولیت دین در شئون زندگی»، «مرجعیت دین در تعیین ارزش‌ها»، «ورود دین به عرصه فردی و اجتماعی» و «ثبات اصول اخلاقی دینی» در کنار یکدیگر مضمون سازمان‌دهنده «مبنای دینی نظم اخلاقی» را شکل داده‌اند. مصباح منشأ ارزش‌های اخلاقی را واقعیت‌های عینی و مصالح و مفاسدی می‌داند که احکام الهی بر آن‌ها استوارند، نه خواست و سلیقه انسان‌ها. وی می‌نویسد: «احکام اسلامی و قوانین شرعی حق است... ملاک اصلی برای حکم به حسن و قبح و باید و نبایدها همان مصالح و مفاسد واقعی هستند.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ص ۶۱). بنابراین، ارزش‌های اخلاقی ریشه در واقعیت دارند و از پشتوانه‌ای فراتر از قراردادهای اجتماعی برخوردارند. بر پایه همین مبنا، دین تنها ناظر به حیات فردی نیست، بلکه چارچوب سامان‌بخشی روابط اجتماعی را نیز فراهم می‌آورد. مصباح بار جدایی دین از عرصه عمومی تصریح می‌کند: «اینکه کسی بگوید بشر در امور اخروی از دین دستور بگیرد، اما در امور دنیوی و زندگی اجتماعی آن گونه که خود می‌پسندد عمل کند، همان دیدگاه سکولاریسم است.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۵). همچنین تأکید می‌کند: «دین اسلام عرصه‌های گسترده زندگی بشر، اعم از اعتقادی، عملی، فردی و اجتماعی را شامل می‌شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۲۹۲). ازاین‌رو، اخلاق اجتماعی در اندیشه وی بخشی مستقل از دین نیست، بلکه تجلی اجتماعی نظام ارزشی دین و مبنای حفظ نظم، تأمین مصالح عمومی و تقویت وحدت جامعه دینی است.

۲. ۱. ۵. مسئولیت، عدالت و التزام اجتماعی

گفتارهای آیت‌الله محمدتقی مصباح نشان می‌دهد که تحقق اخلاق اجتماعی تنها با پذیرش مبانی دینی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم التزام عملی افراد به مسئولیت‌های اخلاقی و رعایت عدالت در روابط اجتماعی است. در این تلقی، اخلاق اجتماعی هنگامی تحقق می‌یابد که افراد، افزون بر مطالبه حقوق خویش، خود را در برابر دیگران و جامعه نیز مکلف بدانند. ازاین‌رو، مضامینی همچون «ملازمة حق و تکلیف»، «عمل به تکلیف»، «ارزش عمل بر اساس تکلیف»، «التزام اجتماعی» و «عدالت به مثابه توازن حق و تکلیف» مضمون سازمان‌دهنده «مسئولیت، عدالت و التزام اجتماعی» را شکل داده‌اند. مصباح یزدی مسئولیت اجتماعی را بر پیوند ناگسستنی حق و تکلیف

استوار می‌داند و می‌نویسد: «حق و تکلیف ملازم یکدیگرند؛ به این معنا که اثبات حق برای کسی، اثبات تکلیف برای دیگران است.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۱۷۸). از این منظر، روابط اجتماعی زمانی اخلاقی خواهند بود که حقوق و مسئولیت‌های افراد به‌صورت متوازن رعایت شوند. وی در ادامه تأکید می‌کند: «عدالت همان حق و تکلیف متوازن است و هرگاه این توازن برهم بخورد، عدالت تحقق نخواهد یافت.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۷: ص ۲۱۵). در همین چارچوب، مصباح عمل اخلاقی را در گرو التزام به نظام ارزشی دین می‌داند و تصریح می‌کند: «هر دین حق، مدعی است که بشر موظف است رفتار و اعمال خود را در هر دو بُعد فردی و اجتماعی با دستورات آن دین تطبیق دهد.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۷۷). همچنین تأکید می‌کند: «هدف اسلام قراردادن اعمال انسان در یک چارچوب نظام ارزشی است.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۱۶۳). بنابراین، در اندیشه وی، مسئولیت‌پذیری، عدالت و عمل به تکلیف، سه مؤلفه به‌هم پیوسته‌اند که اخلاق اجتماعی را از سطح باور به عرصه کنش اجتماعی منتقل می‌کنند.

۲. ۱. ۵. صیانت از نظم اخلاقی دینی

براساس تحلیل داده‌های حاصل از گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله مصباح یزدی، اخلاق اجتماعی تنها با تبیین مبانی دینی آن تحقق نمی‌یابد، بلکه استمرار و پایداری آن نیز مستلزم سازوکارهایی است که از انسجام هنجاری جامعه صیانت کند. بر پایه داده‌های پژوهش، سه مضمون سازمان‌دهنده «حفظ مرجعیت دینی»، «عقلانیت هدایت‌شده» و «اثبات ارزش‌های اخلاقی» مهم‌ترین سازوکارهایی هستند که در اندیشه آیت‌الله مصباح برای صیانت از نظم اخلاقی دینی برجسته هستند.

۱. ۱. ۵. حفظ مرجعیت دینی

براساس این مضمون، جامعه زمانی قادر به حفظ انسجام اخلاقی است که مرجع تشخیص ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، آموزه‌های معتبر دینی باشد. از این رو، هرگونه تضعیف مرجعیت دین یا گسترش قرائت‌های غیرمستند، صرفاً به اختلاف‌های معرفتی محدود نمی‌شود، بلکه بنیان اخلاق اجتماعی را نیز دچار آسیب می‌کند. در این چارچوب، پاسداری از مرجعیت دینی به‌منزله پاسداری از نظم اخلاقی جامعه تلقی می‌شود. این برداشت در پاره گفتارهای مصباح به‌روشنی دیده می‌شود. وی می‌نویسد: «در برابر سیل بدعت‌ها و نوآوری‌های دروغین از دین... عالمان دین موظف‌اند که بر صف بدعت‌گذاران بتازند و با هدایت و افشاگری‌های خویش گوهر دین را از خطر اضمحلال نجات دهند.» (مصباح یزدی و عزیزی کیا، ۱۳۸۲: ص ۱۰۲). در این بیان، وظیفه عالمان دین صرفاً



دفاع از یک دستگاه اعتقادی نیست، بلکه حفظ مرجعیت اخلاقی دین در برابر تفسیرهایی است که به زعم او انسجام ارزشی جامعه را تهدید می کنند. همچنین، در موضعی دیگر تأکید می کند: «در شناخت دین الهی هرگز نمی توان از سلیقه فردی بهره جست؛ بلکه شناخت حدود و رسالت دین با مراجعه به منابع معتبر دینی تحقق می یابد.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۲۸۹ و ۲۹۰). این پاره گفتار نیز نشان می دهد که از منظر وی، اعتبار اخلاق اجتماعی وابسته به اعتبار منبعی است که هنجارهای اخلاقی را تولید و تفسیر می کند. در همین رابطه، استیون داروال در نظریه «اقتدار اخلاقی» استدلال می کند «پایداری نظام های هنجاری در گرو پذیرش یک مرجع معتبر برای ایجاد الزام اخلاقی است؛ زیرا بدون مرجعیت هنجاری، قواعد اخلاقی به ترجیحات فردی فروکاسته می شوند» (Darwall, 2023, pp. 41-47). بر همین اساس، داده ها نشان می دهد که در اندیشه مصباح، مرجعیت دینی نه صرفاً یک اصل اعتقادی، بلکه مهم ترین سازوکار حفظ انسجام اخلاقی جامعه و استمرار نظم ارزشی محسوب می شود.

۲. ۱. ۲. ۵. عقلانیت هدایت شده

تحلیل آثار و گفتارهای آیت الله مصباح یزدی نشان می دهد که عقل در نظام اخلاقی وی جایگاهی مهم دارد؛ اما این جایگاه در چارچوب هدایت وحیانی تعریف می شود. بر این اساس، عقل ابزار ضروری برای فهم، اثبات و دفاع از آموزه های دینی است؛ اما به تنهایی قادر به تعیین تمامی ارزش ها و غایات اخلاقی نیست. از این رو، «عقلانیت هدایت شده» به معنای پذیرش نقش عقل در فرایند فهم اخلاق، همراه با پذیرش مرجعیت نهایی وحی در تعیین معیارهای ارزشی است. مصباح در توضیح نسبت عقل و دین تأکید می کند که دین نه تنها با عقل ناسازگار نیست، بلکه برای پذیرش و فهم آن به کارکرد عقل نیازمند است. وی می نویسد: «هرگز دین حقی را نمی توان نشان داد که خواهان کنارگذاشتن عقل و توانایی های انسان باشد و خود را پاسخگوی تمام نیازمندی های بشر معرفی کند.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۷۶). باین حال، از منظر وی، کارکرد عقل پس از پذیرش اصل وحی، در چارچوب آموزه های دینی معنا می یابد و عقل نمی تواند مستقل از هدایت الهی، معیار نهایی ارزش های اخلاقی را تعیین کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ص ۸۳ و ۸۴). بر این اساس، عقلانیت در اندیشه مصباح نه به معنای خودبنیادی عقل، بلکه به معنای بهره گیری از توان استدلالی انسان برای فهم نظام ارزشی دین است. چنین تلقی ای، از یک سو امکان دفاع عقلانی از باورها و ارزش های اخلاقی را فراهم می کند و از سوی دیگر، با پذیرش مرجعیت وحی، از نسبی شدن معیارهای اخلاقی

جلوگیری می‌کند. در نتیجه، نظم اخلاقی جامعه زمانی پایدار خواهد بود که عقل در تعامل با وحی، به تبیین و تحقق ارزش‌های اخلاقی بپردازد.

۳. ۱. ۲. ۵. ثبات ارزش‌های اخلاقی

براساس تحلیل آثار و گفتارهای آیت‌الله مصباح یزدی، یکی از پایه‌های اخلاق اجتماعی، ابتدا بر مجموعه‌ای از ارزش‌های ثابت و فراتر از تغییرات تاریخی و اجتماعی است. در این تلقی، اگرچه شرایط زندگی اجتماعی و مصادیق کنش انسانی دگرگون می‌شوند، اما معیارهای بنیادین خیر و شر و اصول اخلاقی بر مبنای آموزه‌های وحیانی ثابت باقی می‌مانند. از این رو، مضامینی همچون «ثبات ارزش‌ها»، «ثبات احکام»، «رد نسبی‌گرایی اخلاقی» و «وجود حقیقت واحد اخلاقی» در شکل‌گیری مضمون سازمان‌دهنده «ثبات ارزش‌های اخلاقی» نقش داشته‌اند. مصباح با تفکیک میان اصول ثابت اخلاقی و مصادیق متغیر، معتقد است تغییرات اجتماعی به معنای دگرگونی معیارهای بنیادین اخلاق نیست، بلکه تنها نحوه تطبیق این معیارها با شرایط جدید تغییر می‌کند. وی در این زمینه می‌نویسد: «احکام متغیر اسلام هم در واقع برای موضوعات حقیقی خودشان ثابت‌اند و آنچه تغییر می‌کند، مصادیق آن‌ها هستند.» (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۳۲۳). این دیدگاه نشان می‌دهد که ثبات اخلاقی در اندیشه مصباح به معنای نفی تحول اجتماعی نیست، بلکه به معنای وجود چارچوبی هنجاری برای ارزیابی و جهت‌دهی این تحولات است.

بر این اساس، مصباح نسبی‌شدن ارزش‌های اخلاقی را تهدیدی برای انسجام هنجاری جامعه می‌داند؛ زیرا در صورت وابسته‌شدن خیر و شر به شرایط متغیر اجتماعی یا داوری‌های انسانی، امکان وجود معیار مشترک برای قضاوت اخلاقی تضعیف خواهد شد. بنابراین، ثبات ارزش‌های اخلاقی در این رویکرد، شرط استمرار نظم اخلاقی جامعه و حفظ مرجعیت معیارهای دینی در مواجهه با تغییرات اجتماعی است. این برداشت را می‌توان با نظریه قانون طبیعی جان فینیس مقایسه کرد. فینیس نیز بر این باور است که زندگی اخلاقی و نظم اجتماعی نیازمند اتکا به خیرهای بنیادینی است که اعتبار آن‌ها صرفاً از توافقی‌های متغیر اجتماعی ناشی نمی‌شود (Finnis, 2011, pp. 86–94). با این حال، تفاوت اساسی آن است که مبنای ثبات ارزش‌ها در اندیشه مصباح، وحی و اراده تشریعی خداوند است؛ در حالی که فینیس آن را بر استدلال عقلانی درباره خیرهای انسانی استوار می‌سازد.



۲. ۵. تحلیل مضامین مصطفی ملکیان

۱. ۲. ۵. بنیادهای اخلاق اجتماعی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در اندیشه ملکیان، اخلاق اجتماعی پیش از آنکه بر التزام دینی استوار باشد، بر مبانی عقلانی، اخلاقی و مسئولیت آگاهانه انسان بنا می‌شود. بر همین اساس، در نگاه او، سه مضمون سازمان‌دهنده «تقدم اخلاق بر دینداری»، «عقلانیت انتقادی» و «آزادی و مسئولیت اخلاقی» بنیادهای اخلاق اجتماعی را شکل می‌دهند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

مصطفی ملکیان			
مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	نمونه مکتوب / گفتار
بنیادهای اخلاق اجتماعی	تقدم اخلاق بر دینداری	اخلاق معیار ارزش عبادات / دینداری شیوه زندگی / اخلاق غایت دین	«عبادات تنها هنگامی ارزش دارند که در خدمت اخلاق باشند؛ اگر اخلاق را تقویت نکند، ارزش ذاتی ندارند.» (ملکیان، تقابل اخلاقی دینی و اخلاق سکولار، ص ۶۸ - ۷۰)
	عقلانیت انتقادی	نفی تعبد / استدلال‌ورزی / خودفرمان‌روایی / پذیرش بر اساس دلیل	«تعبد یعنی پذیرفتن سخنی فقط به دلیل گوینده آن؛ چنین امری هیچ محمل عقلانی ندارد.» (ملکیان، ایمان و تعقل، ص ۷۵۵ - ۷۵۷).
	آزادی و مسئولیت اخلاقی	ارادی‌بودن فعل اخلاقی / مسئولیت فردی / حق انتخاب؛ استقلال اخلاقی	«عمل اخلاقی زمانی اخلاقی است که از روی اراد و انتخاب انجام گیرد.» (ملکیان، جامعه اخلاقی، انسان اخلاقی، ص ۱۹).
تحقق اخلاق اجتماعی	معنویت و کاهش رنج اجتماعی	معنویت گوهر دین / کاهش درد و رنج / رضایت باطنی / استعلائی درونی	«دین اگر نتواند آرامش، امید و رضایت باطنی پدید آورد، کارکرد اصلی خود را از دست داده است.» (ملکیان، در رهگذار باد و نگرهان لاله، ج ۲، ص ۱۰۴).
	نهادسازی اخلاقی	تعلیم و تربیت / مدیریت اخلاقی / اخلاقی‌سازی نهادها / اخلاق اجتماعی مقدم بر اخلاق فردی	«اخلاقی شدن نهادها بیش از هر چیز به مدیریت اخلاقی وابسته است.» (ملکیان، جامعه اخلاقی، انسان اخلاقی، ص ۲۱).
	بازسازی عقلانی و معنوی اخلاق در جامعه	سازگاری معنویت با مدرنیته / پاسخ به نیازهای انسان جدید / بازخوانی دین / تفسیر جدید از جهان	«اگر بخواهیم میان دین و مدرنیته سازگاری برقرار کنیم، باید تفسیری تازه از دین عرضه کنیم.» (ملکیان و دیگران، سنت و سکولاریسم، ص ۲۰۵ - ۲۰۸).

جدول شماره ۲: مضامین پایه، سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر مصطفی ملکیان



فصلنامه علمی

۴۲

دوره ۱

شماره ۲

تابستان ۱۴۰۵

اين مضمون نشان مى دهد كه در نگاه ملكيان، ارزش ديندارى نه صرفاً به انجام مناسك يا التزام به احكام، بلكه به ميزان تأثير آن در ارتقاى فضائل اخلاقى و بهبود روابط انسانى وابسته است. از اين رو، اخلاق نه پيامد ديندارى، بلكه معيار ارزىابى آن تلقى مى شود. در بسيارى از داده ها، ملكيان دين را هنگامى واجد ارزش اجتماعى مى دانند كه بتواند به كاهش رنج انسان، تقويت فضائل اخلاقى و اصلاح رفتار فردى و جمعى بپردازد. او در يكي از آثار خود تصريح مى كند: «با وجود تفاوت هاى كه اخلاق بيرونى با اخلاق درونى دارد، هر دو بايد نيازهاى عميق آدميان را پاسخ دهند.» (ملكيان، ۱۳۸۷: ص ۱۷-۲۱). اين گزاره نشان مى دهد كه در نگاه او، كارکرد اصلى دين نه تثبيت مجموعه اى از احكام، بلكه پرورش انسان اخلاقى است.

در بخش ديگرى از داده ها، اين رويکرد با صراحت بيشتري بيان مى شود. ملكيان معتقد است: «فقه مقدمه اخلاق است و اخلاق مقدمه معنويت.» (ملكيان، ۱۳۸۷: ص ۲۰). همچنين تأكيد مى كند كه «ديندارى شيوه حرکت است، نه مقصد حرکت.» (ملكيان، ۱۳۸۷: ص ۱۹). اين پاره گفتارها نشان مى دهد كه مناسك و احكام دينى زمانى واجد ارزش اند كه در خدمت تعالى اخلاقى انسان قرار گيرند. از اين رو، يافته هاى پژوهش بيانگر آن است كه در اندیشه ملكيان، اخلاق جايگاهى فراينى پيدا نمى كند، بلكه به منزله ملاكى براى سنجش اصالت و كارآمدى ديندارى عمل مى كند. در اين چارچوب، هر قرائتى از دين كه به گسترش خشونت، تبعيض يا رنج اجتماعى بپردازد، از غايت اخلاقى دين فاصله گرفته است. در همين رابطه، داروال تأكيد مى كند كه «مشروعيت هنجارهاى اخلاقى در گرو قابليت پذيرش آنها از منظر همه كمشگران اخلاقى است، و اخلاق مقدم بر هرگونه اقتدار بيرونى يا الزام صرف است.» (Darwall, 2023, pp. 41-47). بنابراين، اخلاق اجتماعى زمانى اعتبار مى يابد كه بتواند مبنای عقلانى و بين الاذهانى براى روابط انسانى فراهم كند؛ برداشتى كه با تأكيد ملكيان بر تقدم اخلاق بر ديندارى و سنجش ارزش دين بر اساس پيامدهاى اخلاقى آن هم سويى قابل توجهى دارد.

براساس تحليل داده ها، «عقلانيت انتقادى» يكي از مؤلفه هاى اساسى اخلاق اجتماعى در اندیشه مصطفى ملكيان است. در اين رويکرد، ارزش ها و باورهاى اخلاقى زمانى از اعتبار برخوردارند كه بتوانند در برابر پرسش عقلانى و سنجش استدلالى مقاومت كنند. از منظر ملكيان،



انسان اخلاقی کسی نیست که صرفاً بر اساس عادت، سنت یا اقتدار بیرونی عمل کند، بلکه فردی است که دربارهٔ باورهای خود تأمل کرده و پذیرش آن‌ها را بر مبنای دلیل و فهم شخصی استوار می‌سازد.

ملکیان عقلانیت را شیوهٔ مواجههٔ انسان با جهان و سامان‌دادن به زندگی می‌داند و معتقد است: «عقلانی‌بودن یعنی گرایش به اینکه هرچه تمام‌تر و بدون وقفه از نیروی استدلال‌گری که در درون ماست استفاده کنیم.» (ملکیان، ۱۳۸۸: ص ۲۷۷-۲۸۰). بر این اساس، باورهای اخلاقی و دینی نیز نمی‌توانند صرفاً بر پایهٔ تعلق هویتی یا پذیرش غیرانتقادی معتبر تلقی شوند، بلکه باید برای انسان قابل فهم و قابل دفاع عقلانی باشند. از این رو، اخلاق اجتماعی در این تلقی نه بر تبعیت صرف از قواعد موجود، بلکه بر شکل‌گیری کنشگرانی استوار است که با آگاهی و تأمل، ارزش‌های اخلاقی را انتخاب و در زندگی اجتماعی خود به کار می‌بندند. این برداشت با تأکید هابرماس بر نقش عقلانیت ارتباطی در اعتبار هنجارهای اجتماعی قابل مقایسه است. هابرماس معتقد است «هنجارهای اجتماعی زمانی از مشروعیت برخوردار می‌شوند که امکان طرح، نقد و پذیرش آن‌ها در فرایند گفت‌وگوی عقلانی میان کنشگران وجود داشته باشد.» (Habermas, 2022, pp. 45–48). باین حال، تفاوت اساسی میان این دو رویکرد در آن است که مبنای عقلانیت اخلاقی نزد ملکیان بر تأمل فردی و اقلان درونی انسان استوار است؛ درحالی‌که هابرماس بر فرایند ارتباطی و توافق عقلانی میان اعضای جامعه تأکید می‌کند.

۳. ۲. ۱. ۵. آزادی و مسئولیت اخلاقی

مضمون سازمان‌دهندهٔ «آزادی و مسئولیت اخلاقی» نشان می‌دهد که در فهم ملکیان از اخلاق اجتماعی، انسان موجودی منفعل در برابر قواعد و سنت‌های موجود نیست، بلکه کنشگری است که باید بر اساس فهم، انتخاب و مسئولیت شخصی مسیر زندگی اخلاقی خود را تعیین کند. تحلیل آثار ملکیان نشان می‌دهد که مضامینی همچون «ارادی‌بودن فعل اخلاقی»، «حق انتخاب»، «استقلال اخلاقی» و «مسئولیت فردی» بر این پیش‌فرض استوارند که اخلاق بدون پذیرش عاملیت انسان امکان تحقق ندارد. ملکیان در بحث تمایز «زندگی عاریتی» و «زندگی اصیل» بر این نکته تأکید می‌کند که انسان اصیل کسی است که زندگی خود را بر مبنای فهم و داوری شخصی سامان می‌دهد، نه اینکه صرفاً وارث باورها و ارزش‌هایی باشد که بدون تأمل پذیرفته است. از نظر او، «یکی

از ویژگی‌های انسان اصیل آن است که «ابناءالدلیل» باشد؛ یعنی پذیرش‌ها و انتخاب‌های او مبتنی بر دلیل و سنجش عقلانی باشد، نه تقلید و پیروی بی‌چون‌وچرا» (ملکیان، ۱۳۸۱: ص ۲۵۵). بنابراین، آزادی در اینجا به معنای رهایی از هرگونه قید نیست، بلکه توانایی فرد برای انتخاب آگاهانه و پاسخ‌گوبودن به انتخاب‌های خویش است. در همین راستا، ملکیان در تبیین نسبت عقلانیت و دینداری نیز بر ضرورت کنارگذاشتن پذیرش‌های غیرانتقادی تأکید دارد و معتقد است «انسان متفکر باید بتواند باورهای خود را با معیار استدلال و سنجش عقلانی ارزیابی کند» (ملکیان، ۱۳۸۸: ص ۲۷۷-۲۸۰). این تأکید بر داوری شخصی، زمینه شکل‌گیری نوعی اخلاق خودآیین را فراهم می‌کند؛ اخلاقی که در آن فرد مسئول رفتار خویش است و نمی‌تواند مسئولیت اعمال خود را صرفاً به سنت، نهاد یا اقتدار بیرونی واگذار کند.

با وجود این، اخلاق اجتماعی در اندیشه ملکیان زمانی تحقق می‌یابد که افراد جامعه از مرحله پیروی بیرونی از قواعد اخلاقی عبور کرده و به سطحی از خود آگاهی و مسئولیت اخلاقی برسند. در چنین جامعه‌ای، اخلاق نه صرفاً مجموعه بایدها و نبایدهای تحمیل‌شده، بلکه حاصل انتخاب آگاهانه انسان‌هایی است که نسبت به خود و دیگران احساس مسئولیت می‌کنند. این نگاه تأییدکننده نظریه عاملیت اخلاقی در فلسفه اخلاق است؛ به گونه‌ای که «مسئولیت اخلاقی تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد بتواند خود را صاحب انتخاب و پاسخ‌گو نسبت به دلایل عمل خویش بداند» (Darwall, 2023, pp. 41-47).

۲.۲.۵. تحقق اخلاق اجتماعی

تحقق اخلاق اجتماعی، دومین مضمون فراگیری است که از تحلیل گفتارهای ملکیان برجسته شد. سه مضمون سازمان‌دهنده، یعنی «معنویت و کاهش رنج اجتماعی»، «نهادسازی اخلاقی» و «بازسازی اخلاق در جامعه»، نشان می‌دهد که در نگاه ملکیان، اخلاق اجتماعی چگونه تحقق خواهد یافت.

۲.۲.۵.۱. معنویت و کاهش رنج اجتماعی

براساس این مضمون، اخلاق اجتماعی در اندیشه وی صرفاً به مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر رفتار اجتماعی فروکاسته نمی‌شود، بلکه ریشه در تحول درونی انسان و نحوه مواجهه او با خویشتن، دیگران و رنج‌های انسانی دارد. بر این اساس، مضامینی همچون «معنویت گوهر دین»، «کاهش

درد و رنج»، «رضایت باطنی» و «استعلا‌ی درونی»، مضمون سازمان‌دهنده «معنویت و کاهش رنج اجتماعی» را شکل داده‌اند. در اندیشهٔ ملکیان، معنویت پاسخی به مسئلهٔ بنیادی رنج و ناآرامی انسان است. از نظر وی، انسان معاصر بیش از آنکه صرفاً نیازمند افزایش باورهای نظری باشد، نیازمند شیوه‌ای برای مواجههٔ عقلانی و اخلاقی با اضطراب‌ها، رنج‌ها و مسائل وجودی خویش است. از این رو، معنویت تلاشی برای دستیابی به آرامش درونی، رضایت باطنی و کاهش درد و رنج انسانی تلقی می‌شود (کدیور و همکاران، ۱۳۸۱: ص ۳۱۳-۳۱۶). ملکیان در همین چارچوب، گوهر دین را در تحول اخلاقی و وجودی انسان جست‌وجو می‌کند، نه در مجموعه‌ای از مناسک و ظواهر دینی. از نگاه او، ارزش آموزه‌ها و اعمال دینی در میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر اخلاقی‌شدن انسان است؛ به گونه‌ای که دینداری زمانی معنا می‌یابد که به رشد فضایل انسانی و بهبود رابطهٔ فرد با خود و دیگران منجر شود (ملکیان، ۱۳۸۷: ص ۲۱-۲۱). بر این اساس، اخلاق اجتماعی در اندیشهٔ ملکیان از اصلاح درون انسان آغاز می‌شود. جامعهٔ اخلاقی زمانی شکل می‌گیرد که افراد از سطح پیروی صرف از قواعد اخلاقی فراتر رفته و به نوعی بلوغ درونی، خود آگاهی و حساسیت نسبت به رنج دیگران دست یابند. این تأکید بر اهمیت تحول شخصیت اخلاقی و شکل‌گیری منش فضیلت‌مند، با رویکرد اخلاق فضیلت نیز قابل گفت‌وگو است؛ رویکردی که اخلاق را صرفاً به ارزیابی درستی یا نادرستی اعمال محدود نمی‌کند، بلکه بر پرورش ویژگی‌های پایدار شخصیتی و نحوهٔ بودن اخلاقی انسان تأکید دارد (Hursthouse & Pettigrove, 2023). بنابراین، در اندیشهٔ ملکیان، معنویت امری جدا از اخلاق اجتماعی نیست، بلکه یکی از بنیان‌های شکل‌گیری آن است؛ زیرا کاهش رنج اجتماعی صرفاً از طریق تنظیم روابط بیرونی امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند انسان‌هایی است که در سطح درونی، توان همدلی، مسئولیت‌پذیری و مواجههٔ اخلاقی با دیگری را یافته باشند.

۲.۲.۵. نهادسازی اخلاقی

مضمون «نهادسازی اخلاقی» بیانگر آن است که در منظومهٔ فکری ملکیان، تحقق اخلاق اجتماعی صرفاً با توصیه به فضیلت‌های فردی امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم ایجاد شرایط اجتماعی‌ای است که امکان زیست اخلاقی را برای افراد فراهم کند. به این معنا، اخلاق از یک امر درونی و شخصی به یک پروژهٔ اجتماعی تبدیل می‌شود. از این رو، اخلاق صرفاً مجموعه‌ای از فضایل شخصی نیست، بلکه زمانی می‌تواند در جامعه پایدار شود که در فرایندهای تربیتی، فرهنگی و نهادی

بازتولید شود. بنابراین، تحقق جامعه اخلاقی نیازمند آن است که ارزش‌های اخلاقی در شیوه آموزش، روابط اجتماعی و عملکرد نهادهای عمومی جایگاه پیدا کنند. در همین رابطه، ملکیان بر دو نکته اساسی تأکید می‌کند. نخست، در توضیح نسبت میان دین، اخلاق و زندگی اجتماعی، تأکید می‌کند که غایت اصلی دینداری، تحول اخلاقی انسان است و ارزش آموزه‌های دینی نیز در میزان تأثیر آن‌ها بر اصلاح رفتار انسانی سنجیده می‌شود. او در همین زمینه معتقد است: «غایت دین، اخلاقی‌شدن انسان است.» (ملکیان، ۱۳۸۷: ص ۲۱-۱۷) و دین زمانی می‌تواند برای انسان معاصر معنا داشته باشد که به اصلاح درون و بهبود مناسبات انسانی منجر شود. این نگاه نشان می‌دهد که اخلاق در اندیشه او نه یک حوزه فرعی، بلکه معیار ارزیابی کارکردهای فردی و اجتماعی دین است. دوم، ملکیان بر نقش تعلیم و تربیت در شکل‌گیری جامعه اخلاقی تأکید می‌کند. از نظر او، انسان اخلاقی محصول تربیتی است که قدرت تشخیص، تفکر مستقل و مسئولیت‌پذیری را در فرد تقویت می‌کند، نه انسانی که صرفاً به دلیل فشارهای بیرونی یا الزام‌های اجتماعی رفتار می‌کند. وی در بحث از «زندگی اصیل» بر این نکته تأکید می‌کند که «انسان باید از مرحله پیروی تقلیدی از باورها و ارزش‌های به‌ارث‌رسیده عبور کند و بر اساس فهم، تأمل و پذیرش آگاهانه زندگی کند؛ زیرا تنها در چنین شرایطی است که کنش اخلاقی واجد ارزش واقعی خواهد بود.» (ملکیان، ۱۳۸۱: ص ۲۵۳-۲۵۵). در هر صورت، ملکیان اخلاقی‌شدن جامعه را وابسته به اصلاح نهادهای اجتماعی نیز می‌داند. به تعبیر او، نمی‌توان انتظار داشت افراد در ساختارهایی که بر مبنای بی‌اعتمادی، منفعت‌طلبی یا بی‌توجهی به ارزش‌های انسانی شکل گرفته‌اند، به صورت پایدار اخلاقی عمل کنند؛ زیرا شرایط اجتماعی در شکل‌گیری منش و رفتار انسان‌ها تأثیرگذار است. از این رو، اخلاق اجتماعی نیازمند آن است که نهادهای آموزشی، فرهنگی و مدیریتی نیز بر مبنای اصول اخلاقی بازتنظیم شوند.

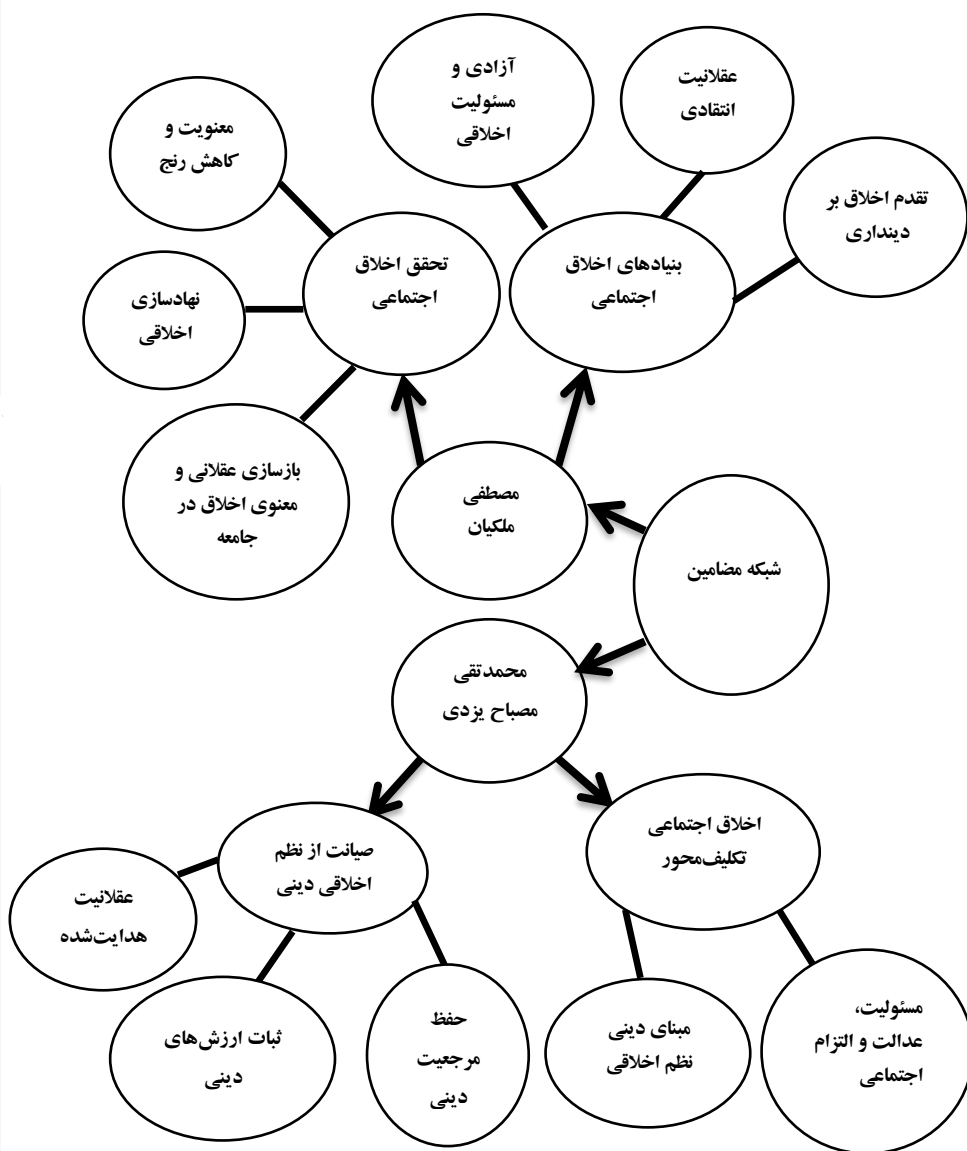
۳. ۲. ۵. بازسازی عقلانی و معنوی اخلاق در جامعه

بر اساس تحلیل آثار مصطفی ملکیان، تحقق اخلاق اجتماعی در جهان معاصر نیازمند بازاندیشی در شیوه فهم و پذیرش ارزش‌های اخلاقی است. در این تلقی، اخلاق نمی‌تواند صرفاً بر تقلید از سنت‌ها، پذیرش اقتدارهای بیرونی یا عادت‌های اجتماعی استوار باشد، بلکه باید برای انسان جدید قابل فهم، عقلانی و انتخاب‌شده باشد. بر همین اساس، مضامینی همچون «سازگاری معنویت با

مدرنیته»، «پاسخ به نیازهای انسان جدید»، «بازخوانی دین» و «تفسیر جدید از جهان»، مضمون سازمان‌دهنده «بازسازی عقلانی و معنوی اخلاق در جامعه» را شکل داده‌اند.

ملکیان معتقد است انسان معاصر دیگر نمی‌تواند ارزش‌های اخلاقی را صرفاً براساس تعلق به یک سنت یا پذیرش یک مرجع بیرونی بپذیرد، بلکه نیازمند فهم و داوری مستقل درباره آن‌هاست. وی تأکید می‌کند که انسان باید خود بیندیشد و هیچ باوری را تنها به دلیل انتساب آن به یک مرجع یا سنت نپذیرد (ملکیان، ۱۳۸۱: ص ۱۴۵-۱۴۷). بنابراین، اخلاق در جهان جدید زمانی پایدار خواهد بود که از سطح الزام بیرونی فراتر رفته و به امری درونی، آگاهانه و انتخاب‌شده تبدیل شود.

با وجود این، پروژه فکری ملکیان را می‌توان تلاشی برای بازسازی نسبت میان دین، اخلاق و معنویت در شرایط جدید دانست. او از یک سو، با نقد دینداری مبتنی بر تقلید و ظواهر، بر ضرورت عقلانی‌شدن فهم اخلاقی تأکید می‌کند و از سوی دیگر، با توجه به نیازهای وجودی انسان، معنویت را به‌عنوان منبعی برای معنابخشی به زندگی اخلاقی مطرح می‌سازد. بنابراین، بازسازی اخلاق اجتماعی در اندیشه وی نه به معنای کنار گذاشتن دین، بلکه به معنای بازخوانی آن در پرتو عقلانیت و نیازهای انسان معاصر است. این تلقی را می‌توان در نسبت با تحلیل زیگمونت باومن از وضعیت اخلاقی جهان مدرن نیز فهم کرد. باومن معتقد است در شرایط مدرن متأخر، بسیاری از چارچوب‌های سنتی هدایت‌کننده رفتار اخلاقی تضعیف شده‌اند و انسان بیش از گذشته با مسئولیت انتخاب‌های اخلاقی خود مواجه است؛ ازاین‌رو، مسئله اصلی جهان جدید حذف اخلاق نیست، بلکه بازاندیشی در بنیان‌های مسئولیت اخلاقی است (Bauman, 1993, pp. 1-5). بر این اساس، در اندیشه ملکیان نیز اخلاق اجتماعی برای تداوم در جامعه جدید نیازمند بازسازی عقلانی و معنوی است؛ به این معنا که اخلاق را از سطح پیروی بیرونی به سطح فهم، انتخاب و التزام درونی ارتقا دهد.



شکل شماره ۱: شبکه مضامین اخلاق اجتماعی در اندیشه مصباح یزدی و مصطفی ملکیان

یافته‌های این پژوهش نشان داد که اخلاق اجتماعی در اندیشه آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و استاد مصطفی ملکیان، اگرچه در هر دو رویکرد به‌عنوان ضرورتی برای سامان‌یافتگی زندگی جمعی و حفظ روابط انسانی مطرح می‌شود، اما بر دو مبنای متفاوت استوار است. در اندیشه مصباح یزدی، اخلاق اجتماعی در چارچوب یک نظام اخلاقی دینی و تکلیف‌محور معنا می‌یابد. یافته‌ها نشان داد که «مبنای دینی نظم اخلاقی» و «مسئولیت و التزام اجتماعی» دو پایه اصلی این تلقی را شکل می‌دهند. در این رویکرد، اخلاق اجتماعی از مرجعیت دین در تعیین ارزش‌ها آغاز می‌شود و از طریق پذیرش تکالیف، رعایت حقوق دیگران و التزام عملی به ارزش‌های دینی در عرصه اجتماعی تحقق می‌یابد. همچنین، مضامین «حفظ مرجعیت دینی»، «عقلانیت هدایت‌شده» و «ثبات ارزش‌های دینی» نشان داد که استمرار نظم اخلاقی جامعه از منظر مصباح نیازمند حفظ پیوند میان عقل، وحی و ارزش‌های ثابت دینی است. بر این اساس، جامعه اخلاقی در این دیدگاه جامعه‌ای است که اعضای آن در چارچوب یک نظام هنجاری مشترک و مبتنی بر هدایت الهی، مسئولیت‌های اجتماعی خود را ایفا می‌کنند.

در مقابل، در اندیشه ملکیان، اخلاق اجتماعی از مسیر تحول درونی انسان و شکل‌گیری فهم اخلاقی آگاهانه آغاز می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که «تقدم اخلاق بر دینداری»، «عقلانیت انتقادی» و «آزادی و مسئولیت اخلاقی» بنیادهای اصلی این رویکرد را تشکیل می‌دهند. در این نگاه، ارزش‌های اخلاقی نه صرفاً بر اساس تعلق به یک نظام اعتقادی، بلکه از طریق تأمل عقلانی، پذیرش شخصی و مسئولیت فرد در قبال انتخاب‌های اخلاقی معنا می‌یابند. همچنین، مضامین «معنویت و کاهش رنج اجتماعی»، «نهادسازی اخلاقی» و «بازسازی عقلانی و معنوی اخلاق در جامعه» نشان می‌دهند که ملکیان تحقق اخلاق اجتماعی را در گرو پیوند میان تحول فردی، معنویت، اصلاح نهادها و پاسخ‌گویی اخلاق به مسائل انسان معاصر می‌داند.

با این حال، تفاوت بنیادین دو رویکرد در تصور آن‌ها از نقطه آغاز و مسیر تحقق اخلاق اجتماعی است. در اندیشه مصباح، اخلاق اجتماعی از یک نظم ارزشی دینی آغاز می‌شود و با التزام افراد به تکالیف و ارزش‌های الهی در جامعه تحقق می‌یابد؛ درحالی‌که در اندیشه ملکیان، اخلاق اجتماعی از پرورش انسان اخلاقی، تقویت دآوری عقلانی و درونی شدن ارزش‌های اخلاقی آغاز می‌شود و سپس به عرصه روابط و نهادهای اجتماعی گسترش می‌یابد. با وجود این تفاوت، هر دو رویکرد بر این پیش‌فرض مشترک تأکید دارند که جامعه بدون بنیان‌های اخلاقی پایدار، امکان دستیابی به انسجام، مسئولیت‌پذیری و زندگی انسانی‌تر را نخواهد داشت.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، حسن (۱۴۰۲). «بررسی نظام اخلاقی اسلام از منظر آیت الله مصباح یزدی». *معرفت اخلاقی*، ۱۴ (۱)، ۷-۲۴.
- ۲- بختیار نصرآبادی، حسن علی؛ حیدری، محمدحسین؛ بهروان، حمیدرضا (۱۳۹۰). «نسبت عقلانیت انتقادی با اخلاق اجتماعی». *راهبرد*، ۵۹، ۱۳۹-۱۶۶.
- ۳- سلطانی رنانی، سیدمهدی (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبائی و شهید مطهری». *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۹۶، ۳-۴۶.
- ۴- شاکرنژاد، احمد (۱۳۹۶). «مبانی اخلاق اجتماعی در معنویت‌گرایی جدید و چالش‌های آن». *اخلاق پژوهی*، ۲، ۱۲۳-۱۵۰.
- ۵- کدیور، محسن؛ مجتهدشبهستری، محمد؛ ملکیان، مصطفی؛ سروش، عبدالکریم (۱۳۸۱). *سنت و سکولاریسم (مجموعه گفتارها)*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- ۶- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها (ج. ۱-۵)*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۷- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). *نظریه سیاسی اسلام (ج. ۱)*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۸- مصباح یزدی، محمدتقی؛ عزیزی کیا، غلامعلی (۱۳۸۲). *تعدد قرائت‌ها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۹- مصباح یزدی، محمدتقی؛ عزیزی کیا، محمد (۱۳۸۲). *تهاجم فرهنگی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۰- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). *چکیده‌ای از اندیشه بنیادین اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۱- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *نظریه سیاسی اسلام (ج. ۱)*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۲- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *آموزش فلسفه اخلاق*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۳- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *رابطه علم و دین*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۴- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). *تقلید در زندگی انسان*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.



- ۱۵- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها* (ج. ۱). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۶- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۷). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۷- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). «زندگی اصیل و مطالبه دلیل». *بژوهشنامه متین*، (۱۶-۱۵)، ۲۶۳-۲۲۹.
- ۱۸- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). *راهی به راهی*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۱۹- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). «سازگاری معنویت و مدرنیته». *بازتاب اندیشه*، ۷۷.
- ۲۰- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷). «جامعه اخلاقی، انسان اخلاقی». *مجله آیین*، (۱۴-۱۳)، ۲۱-۱۷.
- ۲۱- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷). *ایمان و تعقل*. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ۲۲- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۸). *مهر ماندگار*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- ۲۳- ملکیان، مصطفی (۱۴۰۰). *در رهگذار باد و نگهبان لاله* (ج. ۱). تهران: انتشارات نگاه معاصر.

- 24- Abend, G(2014). *The Moral Background: An Inquiry into the History of Business Ethics*. Princeton University Press.
- 25- Attride-Stirling, J. (2001). *Thematic networks: An analytic tool for qualitative research*. *Qualitative Research*, 1(3), 385–405.
- 26- Bauman, Z (1993). *Postmodern Ethics*. Oxford: Blackwell.
- 27- Darwall, S (2023). *The Second-Person Standpoint: Morality, Respect, and Accountability* (2nd ed.). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 28- Durkheim, É(1995). *The elementary forms of religious life* (K. E. Fields, Trans.). Free Press. (Original work published 1912).
- 29- Finnis, J(2011). *Natural Law and Natural Rights* (2nd ed.). Oxford, UK: Oxford University Press.
- 30- Habermas, J(2022). *Religion: Tales of God*. Cambridge, UK: Polity Press.
- 31- Hitlin, S., & Vaisey, S. (Eds.). (2010). *Handbook of the Sociology of Morality*. Springer.
- 32- Hursthouse, R., & Pettigrove, G(2023). *Virtue ethics*. In E. N. Zalta & U. Nodelman (Eds.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2023 Edition). Stanford University.
- 33- Joas, H(2000). *The genesis of values*. University of Chicago Press.



- 34- Lacca, E. (2021). *Concepts and theory of social ethics in social work*. In Values and Ethics in Social Work Practice (pp. 73–86). University of Freiburg.
- 35- MacIntyre, A(1988). *Whose Justice? Which Rationality?* Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- 36- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J(2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1–13.
- 37- Walker, M. U(2007). *Moral understandings: A feminist study in ethics* (2nd ed.). Oxford University Press.
- 38- Ulman, Y. I(2015). *Social ethics*. In H. ten Have (Ed.), Encyclopedia of Global Bioethics (pp. 1–11). Springer.